

The Place and Role of 'Khavātir' in the Mystical Conduct of the First Mystical Tradition

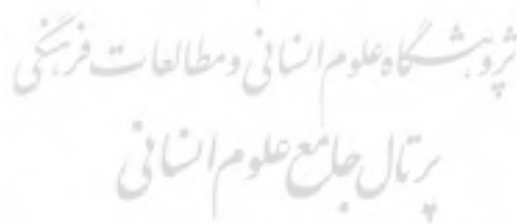
Ehsan Reisi**

Bahareh Sadat Mohajeri

Abstract

The themes and topics of mystical conduct or Soluk are divided into two general categories of acquisitive and non-acquisitive. Acquisitive issues for every seeker can be accessed through the effort, but non-acquisitive ones are accessed by the seekers involuntarily and are not accessible for everyone; therefore, they refer to the Varidat. One of the most important mystical traditions is 'Khavātir', which has the great importance of mystics and elders of the first mystical tradition because of its great importance. Despite the great importance of Khavātir, in one of the mystical traditions, it is not clearly stated. In fact, in many mystical texts and sayings of the elders, there are many references to Khavātir, but all these issues are incorporated and set in the context of the Khavātir in the mystical tradition. The meaning of the sayings of the elders of the first mystical tradition of Islamic mysticism about 'Khavātir'. The Khavātir, the meaning of the sayings of the elders of the first mystical tradition of Islamic mysticism about 'Khavātir'. The Khavātir, the meaning of the sayings of the elders of the first mystical tradition of Islamic mysticism about 'Khavātir'. In fact, Khavātir is a multi-level and behavioral practices of Soluk, and from the beginning, it is necessary for the seeker to become familiar with all the types and methods to avoid them, so they do not hinder his journey but strengthen his acceleration and power for continuing the Soluk.

Keywords: The First Mystical Tradition, Mystical Conduct, Varidat, Khavātir, Khatir, Negation of Khatir.



** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Iran (Corresponding Author Email: ehsan.reisi@gmail.com).

MA Graduate of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

نشریه علمی پژوهش‌های ادب عرفانی (گوهر گویا)

نوع مقاله: پژوهشی

سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۴۴، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۱۱۴-۱۰۳

Doi: 10.22108/jpll.2020.120227.1424

جایگاه و نقش «خواطر» در سیر و سلوک در سنت اول عرفانی

احسان رئیسی*

بهاره سادات مهاجری**

چکیده

موضوعات و بحث‌های مربوط به سلوک عرفانی به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: امور اکتسابی و امور غیرمکتسب. هر سالکی با کوشش به موضوعات اکتسابی دست می‌یابد؛ اما امور غیرمکتسب بدون اختیار سالکان بر آنان وارد می‌شود و همه نمی‌توانند به آن دستیابی داشته باشند؛ بر همین اساس از این امور با عنوان «واردات» یاد می‌کنند. یکی از مهم‌ترین واردات عرفانی «خواطر» است که به سبب اهمیت بسیار، همواره در کانون توجه عارفان و مشایخ سنت اول عرفانی بوده است. با وجود اهمیت بسیار خواطر، در هیچ‌یک از طرح‌های سلوکی که عارفان و مشایخ عرفان و تصوف تدوین و تبیین کرده‌اند، جایگاه خواطر به درستی مشخص نیست. در بسیاری از متون عرفانی و سخنان مشایخ، عبارات و اشاراتی درباره خواطر آمده است؛ ولی همه این مباحث غیرمنسجم و پراکنده است و نقش و جایگاه خواطر در نظام سلوکی به صراحت تبیین نشده است. این پژوهش با تحلیل مضمون سخنان مشایخ سنت اول عرفان اسلامی در باب «خاطر»، نقش و جایگاه خواطر را در سیر و سلوک در سنت اول عرفانی تبیین کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد خواطر در همه مراحل سیر و سلوک ممکن است بر سالک وارد شود و او را از طی مسیر بازدارد و یا بر توان و سرعت او بیفزاید. در واقع خواطر پس‌زمینه همه منزل‌ها و اعمال سلوکی به شمار می‌رود و از ابتدا ضروری است سالک با انواع و اقسام و روش‌های نفی آن آشنا شود تا خواطر در مسیر سلوک مانع حرکت وی نشود و حتی شتاب و توان او را تقویت کند.

واژه‌های کلیدی

سنت اول عرفانی؛ سیر و سلوک؛ واردات؛ خواطر؛ خاطر؛ نفی خواطر

* استادیار زبان و ادب فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)،

ehsan.reisi@gmail.com

** کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،

bahareh_mohajeri333@yahoo.com

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۱

۱- مقدمه

موضوعات مربوط به سیر و سلوک عرفانی به دو دسته تقسیم می‌شود: مسائل اکتسابی و امور غیرمکتسب. بر همین اساس است که سلوک عرفانی را دو مرحله دانسته‌اند: «مجاهده و مشاهده» یا «سلوک و جذب». مجاهده و سلوک به مرحله‌ای گفته می‌شود که سالک در آن به اختیار خود و با جهد، منازلی از سلوک را طی می‌کند. از سوی دیگر، مشاهده و جذب به آن مقطع از سیر است که اشاره دارد که در آن واردات عرفانی اعم از احوال و خواطر و غیره بدون اختیار سالک بر او وارد می‌شود.

بی‌شک یکی از مهم‌ترین وجوه ممیزه عرفان از سایر فرقه‌ها و نحله‌های فکری و عملی همین مبحث مشاهده و جذب و واردات است. در سایر گروه‌ها تکیه بر جهد و کوشش فرد است؛ ولی در عرفان رکن اصلی جذب حق تعالی است. بر این اساس موضوع «واردات» را می‌توان از مباحث بسیار مهم عرفان و تصوف به شمار آورد. خواطر یکی از اصلی‌ترین شاخه‌های واردات است که عارفان و مشایخ بزرگ سنت اول عرفانی در باب آن آرا و دیدگاه‌های فراوان و گوناگونی بیان کرده‌اند و به سبب اهمیت بسیار زیادی که در نظرگاه آنان داشته از ابتدای شکل‌گیری عرفان و تصوف تا سده‌های ششم و هفتم - سنت اول عرفانی^۱ - همواره در کانون توجه عارفان و نویسندگان متون عرفانی بوده است.

یکی از وجوه اهمیت خاطر در سنت اول عرفانی آن است که خاطر سالک را به عملی فرامی‌خواند؛ بر همین مبنا در سنت اول عرفانی به صراحت «خواطر مقدمه عزایم» و «عزم مقدمه اعمال» دانسته شده است (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۸۱). عملی که خاطر به سالک تکلیف می‌کند، گاه نیک و پیش‌برنده سالک در سیر استکمالی است و گاه بد و بازدارنده سالک از سیر و سلوک است. در واقع خواطر در سیر و سلوک جایگاهی ویژه دارد و ضروری است سالکان با موضوع خواطر و ویژگی‌های آنها به خوبی آشنا باشند. بر این اساس است که موضوع خواطر همواره جایگاهی ویژه در بین موضوعات و مباحث سنت اول عرفانی داشته است.

با وجود اهمیت این موضوع هنوز پرسش‌های نسبتاً بسیاری در باب خواطر وجود دارد. مهم‌ترین پرسش آن است که جایگاه خواطر و نقش آن در سیر و سلوک چیست؟ در واقع با وجود اهمیت بسیار خواطر و اشارات متعدد و متنوع عارفان در باب این موضوع، هنوز نقش خواطر در بین مراحل و منازل سلوک به‌طور مشخص تبیین نشده است. برای پاسخگویی بدین پرسش اصلی ضروری است ابتدا تعریف، ابعاد و وجوه مختلف خواطر در سنت اول عرفانی تبیین شود؛ بر این اساس نخست ضروری است بدین پرسش‌ها پاسخ گفت:

۱) تعریف جامع و دقیق خاطر چیست؟

۲) مبانی عرفانی دیدگاه‌ها و نظریات مشایخ در باب خواطر چیست؟

۳) سیر تطور خواطر در سنت اول عرفانی چگونه بوده است؟

این مقاله در پی آن است که به پرسش اصلی و سه پرسش فرعی پاسخ دهد. بر این اساس سخنان و دیدگاه‌های عارفان سنت اول عرفانی گردآوری و تحلیل می‌شود و براساس آنها در بخش‌های مختلف مقاله به پرسش‌های یادشده پرداخته خواهد شد.

۱-۱ پیشینه پژوهش

در باب خواطر در سنت اول عرفانی تاکنون تحقیق مستقل و جامعی انتشار نیافته است. پژوهش‌های حوزه خواطر

نیز بسیار کم‌شمار است؛ از جمله این تحقیق‌ها می‌توان به دو مقاله زیر اشاره کرد:

«چیستی و چرایی در نفی خواطر در عرفان اسلامی» (ولئی محمدآبادی و هاشمی کوچکسرای، ۱۳۹۳): نویسندگان این مقاله کوشیده‌اند نفی خواطر را در عرفان اسلامی تبیین کنند. با وجود کوشش نویسندگان محترم در یافتن منابع و سخنان، پیداست چنین هدفی در مجال یک مقاله نمی‌گنجد. بر همین مناسبت که این مقاله نیز مانند برخی دیگر از مقالات حوزه عرفان اسلامی دچار آسیب «خلط مباحث سنت اول عرفانی و سنت دوم عرفانی» شده است.^۲ افزون بر این، در مقاله یادشده دیدگاه‌های عرفانی معاصر نیز مبنای تحلیل و تبیین قرار گرفته است. فارغ از این آسیب جدی که در بسیاری از مقالات مربوط به عرفان و تصوف اسلامی دیده می‌شود، در این پژوهش از بین موضوعات متنوع مربوط به خواطر، فقط «نفی خواطر» بیان شده است.

«خواطر رحمانی و شیطانی از دیدگاه ملاصدرا» (اکبری، ۱۳۹۰): این مقاله خواطر رحمانی و شیطانی را از دیدگاه حکمت متعالیه در سده یازدهم هجری بررسی کرده است و به‌طور کلی با موضوع پژوهش حاضر متفاوت است.

در این مقاله خواطر به‌صورت کامل در سنت اول عرفانی بررسی می‌شود.

۲- تعریف خواطر

عارفان و مشایخ سنت اول عرفانی تعریف‌های متنوع و نسبتاً پرشماری از خاطر به دست داده‌اند. پیش از ارائه تعریفی دقیق و برشمردن ویژگی‌های خواطر، مناسب است برخی از تعریف‌ها و اشارات موجود در باب خواطر نقل شود:

حلاج (۳۷۵ ق.): «تحریک سر است بدانچه پیدا شود از غیب، در دل درنگ نکند، چون خاطری دیگر درآید» (روزبهان بقلی، ۱۳۷۴: ۵۴۹).

هجویری (۴۶۵ ق.): «حصول معنی خواهند اندر دل با سرعت زوال به خاطری دیگر و قدرت صاحب خاطر بر دفع کردن آن از دل و اهل خاطر متابع خاطر اول باشند، اندر امور که از حق باشد» (هجویری، ۱۳۸۶: ۵۶۳).
قشیری (۴۶۵ ق.): «خطابی بود که بر ضمائر درآید» (قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

سهروردی (۵۶۳ ق.): «وارداتی است که بدون سابقه تفکر و تدبیر در قلب پیدا شود» (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۸۰). «خواطر مقدمه عزایم هستند و عزم مقدمه اعمال است» (همان: ۱۸۱).

روزبهان بقلی (۶۰۶ ق.): «اصل خاطر برید غیوب است به قلوب به نعت ظهور، نه به نعت سکون» (روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ۵۴۹). «برید الهام است» (همان: ۶۳۴).

عزالدین محمود کاشانی (۷۳۵ ق.): «واردی است که بر دل گذر کند در صورت، خطابی یا تعریفی یا طلبی» (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

بر مبنای تعریف‌ها و سخنان موجود از خواطر در سنت اول عرفانی، مهم‌ترین ویژگی‌های خواطر را می‌توان چنین بیان کرد:

۱) خواطر از جمله واردات است؛ یعنی غیرمکتسب است.

۲) خواطر بسیار زودگذر و ناپایدار است.

۳) سالک را به انجام عملی فرامی‌خواند. براساس نوع خاطر این عمل متابعت از فرمان خدا یا مخالفت با آن است.

۴) تنها واردی است که دو سوی مثبت و منفی دارد؛ یعنی ممکن است به سالک در سیر و سلوک کمک کند یا او را از سیر استکمالی بازدارد.

گاه دیدگاه‌های عارفان درباب خواطر پراکنده می‌نماید؛ برای مثال مستملی بخاری (۴۳۴ ق.) معتقد است فقط خاطری که از حق باشد، خاطر نامیده می‌شود. انواع دیگر خواطر را به نام‌هایی دیگر می‌خواند: «نزدیک این طایفه خاطر آن است که از حق تعالی پدید آید» (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۷۷۵)؛ «آنچه که حق بر سالک نازل کند خاطر است، آنچه از جانب فرشته بود الهام است، آنچه از دیو بود وسواس است، آنچه از جانب نفس باشد هاجس است». مستملی بیان می‌کند دیدگاه عامهٔ مرد با دیدگاه خواص در این باب متفاوت است: عامهٔ مردم همهٔ واردات را خاطر می‌نامند: «نامی است چیزی را که بی‌قصد بر دل بنده بگذرد. آن را عامهٔ خلق خاطر خوانند»؛ ولی نزد خواص فقط آنچه از حق بر سالک نازل شود، خاطر نام دارد (همان).

بر مبنای سخنان صریح یا اشارات عارفان و مشایخ سنت اول درباب خواطر می‌توان این دیدگاه‌ها را جمع‌بندی و به‌عنوان تعریف اولیه، خاطر را در سنت اول عرفانی چنین تعریف کرد: واردی ناپایدار است که بر سالک وارد شود و او را به انجام عملی موافق یا مخالف فرمان حق تعالی فرامی‌خواند.

۳- انواع خواطر

در سنت اول عرفانی انواعی برای خواطر ذکر شده است. به‌طور کلی در دیدگاه عارفان سنت اول، خواطر دو دسته است: برخی از آنها سالک را به موافقت و متابعت حکم خدا فرامی‌خوانند و برخی دیگر او را به مخالفت و معاندت با احکام الهی دعوت می‌کنند. هر دسته‌بندی دیگری از خواطر را می‌توان ذیل این دسته‌بندی کلی در نظر گرفت.

خواطر نام عامی است که مشایخ بر نوع خاصی از واردات اطلاق و همهٔ آنان این نوع از واردات را به چهار دستهٔ یادشده دسته‌بندی کرده‌اند. تقسیم‌بندی‌ای که عارفان سنت اول از خواطر به دست می‌دهند، به وجوه مختلفی از این مبحث مهم عرفانی ناظر است. این وجوه را می‌توان چنین برشمرد:

۳-۱- منبع و منشأ خاطر

در دیدگاه عارفان سنت اول خواطر بیشتر بر مبنای اینکه از چه منبعی هستند، تقسیم‌بندی شده‌اند. معمولاً چهار منشأ برای خواطر ذکر شده است: خداوند؛ فرشته؛ نفس؛ شیطان. بر همین مبنا خواطر نیز در چهار نوع گروه‌بندی شده‌اند: حقانی؛ ملکی؛ نفسانی؛ شیطانی (نک: نسفی، ۱۳۸۶: ۱۵۳؛ عطار، ۱۳۸۶: ۳۸۴؛ قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۲؛ سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۷۷؛ مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۷۵، ۱۱۸۷؛ کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۴).

افزون‌بر این، گاه برای هر نوع از خواطر عنوانی مستقل در نظر گرفته شده است؛ برای مثال برخی خواطر اگر از سوی فرشته باشد، «الهام» و اگر از سوی دیو بیاید، «وسواس» و اگر منشأ آنها نفس باشد، «هاجس» و اگر از حق نازل شود، «خاطر حق» نامیده شده است (نک: قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۲).

انواع دیگری از خواطر نیز در بین برخی از اهل عرفان رواج داشته است. این انواع عبارت است از: خاطر

روح؛ خاطر قلب؛ خاطر شیخ؛ خاطر عقل (نک: کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). این پنج خاطر نیز بر پایه منشأ و منبعشان نامگذاری شده است؛ برای نمونه خاطر شیخ آن است که از همت شیخ و مرشد برمی آید و مشکلات و معضلات سالک را حل می کند (همان).

شمس تبریزی خواطر را سه نوع دانسته است: یکی از آنها خانه فرشته است؛ دیگری خانه دیو و فرشته و نوع سوم خانه دیو است (شمس تبریزی، ۱۳۸۵: ۲۱۱-۲۱۲). این تقسیم بندی نیز به منشأ و منبع خواطر ناظر است.

۲-۳ نتیجه و نشانه خاطر

برخی عارفان معیار تفاوت خواطر را نشانه ها و نتایج هر خاطر دانسته اند؛ برای مثال جنید بغدادی خواطر چهارگانه را اینگونه تعریف می کند: خاطر حق: خاطری که به حق دعوت می کند؛ خاطر ملکی: خاطری که به طاعت فرامی خواند؛ خاطر نفسانی: خاطری که به آرایش نفس و تنعم دنیا تحریض می کند؛ خاطر شیطانی: خاطری که به حقد و حسد و حقارت می خواند (عطار، ۱۳۸۶: ۳۸۴). تفاوت خاطر نفسانی و شیطانی آن است که سالک مبتدی قادر نیست خاطر نفسانی را نفی کند و این خاطر هر چند که زمان بگذرد به همان شکل بر سالک وارد می شود تا زمانی که سالک بدان عمل کند یا آنکه سالک به طور مدام مجاهده صادقانه داشته باشد (نک: قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۳). این دسته بندی چهارگانه از خواطر در آرای دیگر عارفان نیز معمولاً با توجه به نتیجه و نشانه انواع خواطر انجام شده است (نک: مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۸۷؛ سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۸۵؛ کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶؛ قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۳).

بر اساس آنچه گفته شد، می توان مهم ترین دسته بندی را همان دسته بندی معروفی دانست که در *مصباح الهدایه* آمده است (نک: کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۴) و بسیاری از عارفان دیگر نیز بدان معتقد بوده اند؛ یعنی تقسیم خواطر به چهار دسته رحمانی، ملکی، شیطانی و نفسانی. همه عارفان و مشایخ سنت اول این دسته بندی را پذیرفته اند؛ برای مثال افرادی مانند عزیز نسفی (نسفی، ۱۳۸۶: ۱۵۳)، جنید (عطار، ۱۳۸۶: ۳۸۴)، قشیری (قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۲)، عبدالله بصری (سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۷۷)، مستملی بخاری (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۸۷)، عزالدین کاشانی (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۴) نیز آن را بیان کرده اند.

افزون بر این دسته بندی، انواع دیگری از خواطر نیز در بین عارفان سنت اول عرفانی رواج داشته است. برخی از این خواطر - بدان سبب که از نوادر بوده اند و معمولاً فقط یک عارف از آنها سخن رانده است - با ذکر نام گویندگان آنها در این بخش بیان می شود: «خاطر قلب» را برخی از مشایخ از جمله نجم الدین کبری بیان کرده اند. اطمینان، آرامش و تسلیم از نتایج و نشانه های این خاطر و توبه و پاک شدن قلب از مقدمات آن است (نک: نجم الدین کبری، ۱۴۲۶ ق: ۱۳۷). خواطر «روح»، «شیخ»، «یقین» و «عقل» انواع دیگری است که برخی از عارفان آنها را پذیرفته اند؛ ولی عزالدین محمود کاشانی معتقد است همه آنها را می توان زیرمجموعه همان چهار خاطر معروف قرار داد: خاطر روح و قلب جزو خواطر ملکی، خاطر شیخ و یقین زیرمجموعه خاطر حقانی، خاطر عقل اگر مدد روح و قلب باشد، خاطر ملکی و اگر مدد نفس و شیطان باشد، خاطر شیطانی است (نک: کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). محمد غزالی نیز «خاطر ریا» را معرفی کرده و آن را جزو خواطر شیطانی دانسته است (نک: غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۶۵۲). بنابر آنچه گفته شد، می توان انواع خواطر را به شکل جدول زیر نشان داد.

جدول شماره ۱: انواع خواطر از نظر عارفان

نام خاطر	عارف
حق، دل، ملک، نفس، شیطان	نجم‌الدین کبری
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی	عزیز نسفی
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی	جنید
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی	قشیری
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی	محمد بن عبدالله بصری
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی	مستملی بخاری
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی	عزالدین کاشانی
رحمانی، ملکی، شیطانی، نفسانی، روح، قلب، شیخ	شیخ مجدالدین بغدادی
ریا	محمد غزالی
دیو، فرشته، دیو و فرشته	شمس تبریزی
عقل، روح، قلب، شیخ	برخی متصوفه

۴- نتایج و نشانه‌ها، تمییز خواطر

منازل و مقامات و احوال عرفانی هر یک نتایج و نشانه‌هایی دارد و آثاری بر وجود سالک باقی می‌گذارد؛ خواطر نیز در هر مرحله‌ای از سلوک که بر سالک وارد شود، نتایجی از خود به جای می‌گذارد. چنانکه پیشتر گفته شد، خواطر ناپایدارترین واردات عرفانی است و بر همین مبنا معمولاً نشانه‌ها و آثار آنها نیز چندان پایدار نیست. در بخش تعریف خواطر بیان شد که خاطر تنها وارد عرفانی است که ممکن است در راه سلوک پیش‌برنده یا بازدارنده باشد. همچنین خواطر در هر مرحله‌ای از سلوک و در هر مرتبه‌ای از سالکان یعنی مبتدیان، متوسطان و منتهیان ممکن است وارد شود؛ براساس این دو موضوع، ضروری است سالکان در هر مقام و منزلی شناخت و تمییز صحیح و دقیقی از خواطر داشته باشند تا بتوانند برپایه خواطر حقانی و ملکی - که در سیر استکمالی یاری‌رسان هستند - رفتار کنند و از خواطر نفسانی و شیطانی - که سد راه سیر و سلوک است - دوری کنند. برای دستیابی به چنین هدفی ضروری است نتایج و نشانه‌ها و همچنین ابزارهای شناخت هر خاطر به‌شکلی دقیق تبیین شود تا شناخت درستی از آن خاطر ایجاد گردد. عارفان و مشایخ سنت اول عرفانی برخی نشانه‌های خواطر و ابزارهای شناخت هر خاطر را شرح کرده‌اند. در یک دسته‌بندی کلی، چنانکه گفته شد، خواطر را می‌توان به دو دسته پیش‌برنده و بازدارنده تقسیم کرد. بیشتر مشایخی که درباره تمییز خواطر و نشانه‌های آنها اظهار نظر کرده‌اند، معتقدند خواطری که سالک را به طاعت و رضای خدا دعوت کند، خواطر حقانی یا ملکی است و سالک باید بدانها اعتنا و عمل کند؛ اما خواطری که سالک را به سرپیچی و مخالفت با خداوند فرامی‌خواند، جزو خواطر نفسانی یا شیطانی قرار می‌گیرد، سالک باید از آنها پرهیز کند و بدانها اعتنا نرزد (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۸۵؛ نیز نک: سهروردی، ۱۳۷۴: ۴۷۵؛ قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۳؛ کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

معیار سنجش این موضوع که خاطری سالک را به طاعت و فرمان می‌خواند یا به طغیان و عصیان نیز کتاب خدا و سنت است (نک: مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۲۶، ۱۱۷۵؛ کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۷). بر این اساس اگر خاطری غامض بر سالک وارد شود که با معیارهای یادشده نتواند راستی و کزّی آن را تشخیص دهد، می‌تواند در آن موضوع اجتهاد کند تا خود را از وساوس و هواجس دور و به طاعت و بندگی نزدیک گرداند (نک: مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۷۵).
 درباب تمییز خواطر، فروع دیگری نیز در متون تبیین شده است؛ برای مثال کلابادی شناخت هر نوع از خواطر را موقوف رسیدن به مرتبه‌ای از کمال می‌داند. او توحید، معرفت، ایمان و اسلام را به انواری تشبیه می‌کند که با آنها سالک می‌تواند خواطر را تمییز دهد.

جدول شماره ۲: ابزار شناخت انواع خواطر از نظر مستملی بخاری

ابزار شناخت	نوع خاطر
توحید	حقانی
معرفت	ملکی
ایمان	نفسانی
اسلام	شیطانی
(مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۷۵)	

یکی دیگر از فروعی که درباب تمییز خواطر بیان شده، موانع موجود بر سر راه شناخت و تمییز خواطر است. سهروردی پنج عامل را سبب ضعیف‌شدن تشخیص و تمییز خواطر می‌داند: (۱) ضعف نفس؛ (۲) اطاعت از هوای نفس؛ (۳) جاه‌طلبی؛ (۴) مال‌دوستی؛ (۵) توجه کردن به رد و قبول خلق (سهروردی، ۱۳۷۴: ۴۷۵).

موضوع دیگری نیز درباب تمییز خواطر و عمل کردن به خواطر در متون سنت اول عرفانی شرح و بیان شده است و آن مبحث «خاطر اول و دوم» یا «تقدم و تأخر خواطر» است. چنانکه پیشتر گفته شد، خاطر، واردی ناپایدار است که سالک را به عملی فرامی‌خواند؛ بر این اساس ممکن است با فاصله کمی از یک خاطر، خاطر دیگری به سالک وارد شود که او را به عملی متفاوت یا مخالف خاطر نخست فراخواند. مشایخ سنت اول کوشیده‌اند قاعده‌ای تبیین کنند تا سالکان بدانند وقتی در معرض دو خاطر قرار می‌گیرند، باید به کدام خاطر عمل کنند و کدام‌یک را مهمل گذارند.

همه عارفان سنت نخست معتقدند خاطر اول مهم‌تر و قوی‌تر از خاطر دوم است و سالک باید خاطر اول را مبنای عمل خویش قرار دهد (نک: قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۳-۱۴۴؛ هجویری، ۱۳۸۶: ۵۶۳). برخی دیگر خاطر دوم را بر خاطر اول برتری داده‌اند (نک: قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۴). بعضی نیز دو خاطر را برابر دانسته‌اند (نک: همان). به نظر می‌رسد این تفاوت دیدگاه‌ها برآمده از تفاوت مشرب عارفان سنت اول است. اهل صحو بیشتر خاطر اول را بر خاطر دوم ترجیح داده‌اند؛ ولی اهل سکر راهی دیگر را برای رسیدن به مقصود در نظر داشته‌اند.

۵- نفی خواطر

سالک برای آنکه منازل سلوک را به سلامت پشت سر بگذارد، باید خواطرِ بازدارنده از حق را دور کند و بدانها توجهی نداشته باشد. تمیز خواطرِ ابزاری برای نفی خواطر است و در واقع سالک با شناخت دقیق و صحیح خاطری که بر او وارد شده است، می‌تواند خواطرِ حقانی و ملک‌ی را از دیگر خواطر تمییز دهد و بدین شیوه متوجه شود کدام خاطر را باید نفی کند و از خود براند. بر این اساس نفی خواطر را می‌توان یکی از مهم‌ترین اعمال سلوکی دانست که سالک را از خواطرِ نفسانی و شیطانی یعنی از بازماندن از سیر و سلوک حفظ می‌کند. بدان سبب که خواطر در هر مرحله و مرتبه‌ای از سلوک ممکن است بر سالک وارد شود، نفی خواطر از جمله اعمالی است که در همه مقامات و منازل و برای مبتدیان، متوسطان و منتهیان ضروری است.

عارفان سنت اول ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت نفی خواطر، راه‌ها و ابزارهای آن را نیز تبیین کرده‌اند.

مهم‌ترین این شیوه‌ها و ابزارها عبارت است از:

(۱) ذکر؛

(۲) عزلت و چله‌نشینی.

۱-۵ ذکر

ذکر از جمله مباحث و موضوعات مهم عرفان اسلامی است که در باب آن در سنت اول عرفانی مطالب فراوانی در متون و تحقیقات گسترده‌ای در منابع پژوهشی آمده است.^۳

ذکر یکی از مهم‌ترین ابزارهای نفی خواطر شیطانی است. کاشانی ضمن تبیین این موضوع، شرح داده است

که ذکر نمی‌تواند خواطرِ نفسانی را دفع کند (نک: کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۵؛ غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۶۴؛ نجم رازی، ۱۳۷۹:

۲۸۲-۲۸۳). ارتباط نفی خواطر با ذکر زمانی روشن‌تر می‌شود که به تعریف غزالی از ذکر رجوع شود. غزالی ذکر را

چهار درجه می‌داند:

(۱) ذکرى که بر زبان جاری می‌شود؛ اما دل هنوز از آن غافل است؛ اثر این ذکر ضعیف است؛

(۲) ذکرى که در دل است؛ اما هنوز آن ذکر به‌طور کامل در دل تمکین نیافته است. در این حالت، دل را باید

با تکلف و سختی به ذکر مشغول کرد؛

(۳) ذکرى که در دل تمکین و قرار دارد. اثر این ذکر عظیم است؛

(۴) در این حالت، مذکور بر دل غالب می‌شود؛ کمال ذکر در این حالت است؛ چون ذکر و آگاهی ذکر از

دل می‌رود و تنها مذکور باقی می‌ماند (غزالی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۵۴؛ نیز در باب ذکر و مراتب آن نک: نجم‌الدین کبری، ۱۴۲۶ ق:

۵۸؛ همان، ۱۳۸۶: ۶۳-۶۴).

چنانکه سالک می‌کوشد به حقیقت ذکر (مرتبه چهارم) دست یابد، از غیر خدا فارغ و دور و به حق نزدیک

می‌شود. ناگزیر حقیقت نفی خاطر شیطانی نیز همین است: دفع واردی که سالک را به مخالفت حق می‌خواند. بر

این مبنا می‌توان ذکر را اساسی‌ترین ابزار نفی خواطر شیطانی دانست؛ چون حقیقت ذکر همسو با حقیقت نفی

خاطر شیطانی است.

۲-۵ عزلت و چله‌نشینی

بیشتر عارفانی که در باب نفی خواطر اظهار نظر کرده‌اند، بر این موضوع اتفاق داشته‌اند که مبتدیان باید همه

خواطر را نفی کنند؛ زیرا قوت تمییز خواطر را ندارند و اصطلاحاً خاطرشناس نیستند (نک: سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۷۷؛ نسفی، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

بر همین مبنا یکی از شیوه‌های مهم برای دوری مبتدیان از خواطر، عزلت و خلوت و چله‌نشینی است. چله‌نشینی و عزلت یکی از آموزه‌های مهم صوفیانه بوده است و افزون بر سایر کارکردهای معرفتی و تربیتی برای نفی خواطر مبتدیان نیز توصیه شده است (نک: نسفی، ۱۳۸۶: ۱۵۳؛ غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۶۴؛ نجم رازی، ۱۳۷۹: ۲۸۲-۲۸۳). براساس آنچه گفته شد، می‌توان فهمید مانند ذکر، حقیقت خلوت - که ترک ماسوی‌الله و روی آوردن به خداست - نیز با حقیقت نفی خواطر همسو است.

۶- سیر تطوّر خواطر در سنت اول عرفانی

خواطر از جمله اصطلاحاتی است که در سنت اول عرفانی در هر سده تعریف و تقسیم‌بندی‌ها و معیارهای جدیدی بدان افزوده شده است. تعریف، ویژگی‌ها، انواع خواطر و شیوه‌های تمییز و نفی آنها پیشتر به تفصیل بیان شد. برای شرح و بیان فرایند شکل‌گیری، بسط و گسترش این موضوع مهم عرفانی در سنت اول، مناسب است به‌اجمال خط سیر این اصطلاح در سنت نخست ترسیم شود.

در متون سده سوم هجری تعریف، تقسیم‌بندی یا موضوع مهمی درباره خواطر بیان نشده است. نخستین تعریف خواطر در سخنان حسین بن منصور حلاج در سده چهارم آمده است. حلاج خواطر را تحریک سر می‌داند که بر دل وارد می‌شود و زود دفع می‌شود و ثابت و ساکن نیست (نک: روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ۵۴۹). بر این اساس در نخستین تعریف، حلاج خواطر را وارد دانسته و آشکارا به «وارد و گذرا بودن» آن اشاره کرده است.

در سده‌های چهارم و پنجم هجری تغییر خاصی در مفهوم و معنای خواطر ایجاد نشده؛ ولی در سده پنجم بر گستردگی و تنوع تعاریف آن افزوده شده است. در این دوره عموم عارفان خواطر را به چهار قسم خواطر حقانی، ملکی، نفسانی و شیطانی تقسیم کرده‌اند (برای مثال، نک: مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۸۷؛ قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۲). همچنین در این دوره نفی خواطر رکنی اصلی و سخت‌ترین و پیچیده‌ترین موضوع در خواطر به شمار رفته و یکی از وظایف مهم سالک نفی خواطر دانسته شده است. بر همین مبنا مشایخ سنت اول مقدمات، ابزارها و روش‌هایی برای نفی خواطر بیان کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این مقدمات تمییز خواطر است که جز با آن نفی خواطر مهمل می‌ماند. در این دوره مباحث و موضوعاتی نیز در زمینه تشخیص خواطر شرح و بیان شده است (برای مثال نک: مستملی، ۱۳۶۴: ۱۱۷۵).

یکی دیگر از موضوعاتی که در سده پنجم طبقه‌بندی و تحلیل شد، موضوع تعارض خواطر است. چنانکه گفته شد برخی از خواطر به‌صورت هم‌زمان یا به فاصله زمانی اندکی از یکدیگر بر سالک نازل می‌شود و گاه او را به کارهای متعارض فرامی‌خواند. در این سده دیدگاه‌های مختلف درباب این موضوع گردآوری و تحلیل شد (نک: قشیری، ۱۳۹۶: ۱۴۲-۱۴۴؛ هجویری، ۱۳۸۶: ۵۶۳).

در سده ششم مباحث خواطر بسط و گسترش یافت. در این سده روش‌های نفی خواطر به تفصیل و با جزئیات در متون عرفانی شرح و بیان شده است. از آن جمله می‌توان ذکر و عزلت را نام برد که مشایخ سنت اول در این دوره از آنها به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای نفی خواطر یاد کردند (برای مثال نک: نجم‌الدین کبری، ۱۳۶۳: ۱۳۶۳).

۵۸-۶۰؛ نجم رازی، ۱۳۷۹: ۲۷۵-۲۸۳؛ غزالی، ۱۳۸۶، ج ۳: ۶۴).

در سده هفتم در موضوعات مربوط به خواطر تغییر چشمگیری دیده نمی‌شود. تعاریفی چند بر تعریف‌های پیشین افزوده شده است که این تعاریف جدید نیز مانند آنچه در سده‌های قبل آمده است، «وارد و ناپایدار بودن» خواطر را بیان کرده‌اند (برای مثال نک: روزبهان بقلی، ۱۳۶۶: ۶۳۴؛ سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۷۷). افزون بر آن، در این سده مباحث مربوط به انواع، شناخت و تمییز خواطر با تفصیل بیشتری بیان شده است (برای مثال نک: سهروردی، ۱۳۷۴: ۱۷۷؛ نسفی، ۱۳۷۰: ۲۲۴). همچنین ذیل مباحث مربوط به چله‌نشینی، نفی خواطر یکی از نتایج چله‌نشینی معرفی شده است (نک: نسفی، ۱۳۸۶: ۱۵۳).

در سده هشتم عزالدین محمود کاشانی مهم‌ترین دیدگاه‌ها را درباره خواطر در *مصباح الیهادیه* بیان کرد. در موضوع خواطر نیز تأثیرپذیری کاشانی از سهروردی و *عوارف‌المعارف* او به‌خوبی آشکار است. کاشانی مانند عمده مباحث دیگری که در *مصباح* آمده است، آرا و نظریات عارفان پیش از خود را درباره خواطر نظم داده، دسته‌بندی کرده و در برخی مواضع آن دیدگاه‌ها را نقد کرده یا چیزی بر آنها افزوده است. برخی از مهم‌ترین نکاتی که کاشانی در سده هشتم در موضوع خواطر بیان کرده، بدین شرح است: خواطر چهار دسته است و هر نوع دیگری را که عارفان به این مبحث افزوده‌اند، می‌توان در ذیل همان چهار خاطر حقانی، ملکی، نفسانی و شیطانی دسته‌بندی کرد؛ اصل و ریشه خواطر دو چیز بیش نیست: *لمه شیطانی* و *لمه ملکی*. کاشانی همچنین راه‌هایی برای تشخیص خاطر حقانی از دیگر خواطر ارائه کرده که پیش از او چنین شیوه‌هایی بیان نشده است (نک: کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۴-۱۰۸).

۷- جایگاه خواطر در سیر استکمالی

براساس آنچه گفته شد می‌توان فهمید خواطر غیر از فنا ممکن است در هر مرحله از سلوک بر سالک وارد شود و او را از پیمودن مسیر بازدارد یا بر توان و سرعت او بیفزاید. این موضوع بدان دلیل است که منبع و منشأ خواطر که خداوند، فرشته، نفس و شیطان است، در هیچ‌یک از مراحل و منازل سلوک از سالک جدا نمی‌شود مگر در حال فنا؛ عزالدین محمود کاشانی نیز در موضعی به این نکته اشاره دارد که خواطر حقانی، ملکی و نفسانی در حال فنا قطع می‌شوند (کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۰۶). البته به جز او، کس دیگری بدین دقیقه درباره خواطر اشاره نکرده است؛ به هر روی چون در حال فنا نفس سالک مستهلک می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت خاطری نیز بر وی وارد نمی‌شود؛ اما قبل و بعد از آن و در همه مراحل و منازل سلوک، امکان نزول خواطر بر سالک وجود دارد.

همین موضوع است که خواطر را از دیگر واردات عرفانی متمایز کرده است؛ برخلاف دیگر واردات که در نظام‌های مختلف سلوکی، هریک در موضع و موقعیت خاصی از سلوک جای دارند، خواطر در هیچ‌یک از این ساختارهای تدوین‌شده عارفان موقعیت خاصی ندارد. بر این مبنا می‌توان گفت نقش و جایگاه این واردات ناپایدار در سیر استکمالی آن است که به‌عنوان پس‌زمینه در همه منزل‌ها و اعمال سلوکی غیر از فنا حضور دارند و از ابتدا ضروری است سالک با انواع و اقسام و روش‌های نفی آنها آشنا شود تا خواطر در مسیر سلوک مانع حرکت وی نشوند و حتی شتاب و توان او را تقویت کنند. بر مبنای آنچه گفته شد می‌توان تعریف خواطر را بدین شکل تکمیل کرد: واردی ناپایدار است که در هر مرحله‌ای از سلوک، غیر از فنا، ممکن است بر سالک وارد

شود و او را به انجام عملی موافق یا مخالف فرمان حق تعالی فراخواند.

۸- نتیجه گیری

خاطر را می‌توان چنین تعریف کرد: «واردی است ناپایدار که در هر مرحله‌ای از سلوک، غیر از فنا، ممکن است بر سالک وارد شود و او را به انجام عملی موافق یا مخالف فرمان حق تعالی فراخواند». خواطر انواع و اقسامی دارد. مبنای همه تقسیم‌بندی‌هایی که از خواطر ارائه شده، این است: برخی خواطر، سالک را به کار نیک و اطاعت فرمان حق دعوت می‌کند و برخی خواطر او را از حق دور می‌کند. بر این اساس خواطر به دو دسته کلی تقسیم می‌شود. یکی از مهم‌ترین تقسیمات خواطر که بیشتر عارفان سنت اول بدان معتقد بوده‌اند، دسته‌بندی خواطر به چهار دسته حقانی، ملکی، شیطانی و نفسانی است. گروه‌بندی‌هایی که در سنت اول برای خواطر ذکر شده، برپایه دو معیار بوده است: «منبع و منشأ خاطر» و «نتیجه و نشانه خاطر». یکی دیگر از موضوعات مهم مربوط به خواطر، جایگاه این دسته از واردات در سیر و سلوک است. چنانکه گفته شد خواطر در هر منزل و مرتبه‌ای ممکن است بر سالک وارد شوند و او را به کاری نیک یا ناپسند دعوت کنند؛ بر همین مبنا تشخیص، تمییز و نفی خواطر از جمله مهم‌ترین اعمال سلوک است که پیران و مشایخ سنت اول جزئیات و فروع هریک را به تفصیل بیان کرده و راهکارهایی عملی برای آن ارائه کرده‌اند.

پی‌نوشت

۱. برای آشنایی با سنت اول عرفانی، مبانی و دوره زمانی آن نک: میرباقری فرد، ۱۳۹۱؛ میرباقری فرد و رئیسی، ۱۳۹۶.
۲. برای تفصیل در این باب نک: میرباقری فرد و همکاران، ۱۳۹۷.
۳. برای تفصیل نک: رئیسی، ۱۳۹۷: ۷۸-۸۰.

منابع

۱. اکبری، رضا (۱۳۹۰). «خواطر رحمانی و شیطانی از دیدگاه ملاصدرا»، *فلسفه و کلام*، شماره ۸۶، ۴۷-۶۴.
۲. روزبهان بقلی شیرازی (۱۳۶۶). *عبدالعاشقین*، تصحیح هنری کرین و محمد معین، تهران: منوچهری.
۳. _____ (۱۳۷۴). *شرح شطحیات*، تصحیح هنری کرین، تهران: انجمن ایران‌شناسی فرانسه/ تهران.
۴. رئیسی، احسان (۱۳۹۷). «جایگاه و نحوه تعامل فکر و ذکر در سنت اول عرفانی»، *پژوهشنامه عرفان*، سال نهم، شماره هجدهم، ۷۴-۹۳.
۵. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۴). *عوارف‌المعارف*، ترجمه منصور عبدالؤمن اصفهانی، به‌اهتمام قاسم انصاری، تهران: علمی و فرهنگی.
۶. شمس تبریزی (۱۳۸۵). *مقالات*، مصحح: محمدعلی موحد، تهران: خوارزمی، چاپ سوم.
۷. عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۸۶). *تذکره‌الاولیا*، تصحیح محمد استعلامی، تهران: زوار.
۸. غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۸۶). *احیاء علوم الدین*، ترجمه مؤیدالدین خوارزمی، تصحیح حسین خدیوچم، تهران:

علمی و فرهنگی، چاپ ششم.

۹. _____ (۱۳۸۳). *کیمیای سعادت*، تصحیح حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ یازدهم.
۱۰. قشیری، ابوالقاسم (۱۳۹۶). *رساله قشیریه*، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح سیده مریم روضاتیان و سید علی اصغر میرباقری فرد، تهران: سخن.
۱۱. کاشانی، عزالدین محمود (۱۳۹۴). *مصباح الهدایة و مفتاح الکفایه*، تصحیح و توضیح جلال‌الدین همایی، تهران، زوار: سخن.
۱۲. مستملی بخاری، اسماعیل (۱۳۶۳). *شرح التعرف لمذهب التصوف*، ۵ ج، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
۱۳. میرباقری فرد، سید علی اصغر (۱۳۹۱). «عرفان عملی و نظری یا سنت اول و دوم عرفانی؟ (تأملی در مبانی تصوف و عرفان اسلامی)»، *گوهر گویا*، سال ششم، شماره دوم، ۶۵-۸۸.
۱۴. میرباقری فرد، سید علی اصغر؛ رئیسی، احسان (۱۳۹۶). «شیوه تبیین سنت و مشرب عرفانی. نمونه مطالعاتی: عزیز نسفی»، *ادبیات عرفانی*، دوره ۹، شماره ۱۶، ۱۷۱-۲۰۲.
۱۵. میرباقری فرد، سید علی اصغر؛ رئیسی، احسان؛ بیات، مهرنوش (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی مقاله‌های مثنوی پژوهی از نظر توجه به مشرب عرفانی مولوی»، سال دهم (دوره جدید)، شماره سوم، ۱۷-۳۴.
۱۶. نجم‌الدین کبری (۱۳۶۳). *الأصول العشره*، ترجمه و شرح عبد الغفور لاری، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: مولی.
۱۷. _____ (۱۴۲۶ق). *فوائح الجمال و فوائح الجلال*، تحقیق: یوسف زیدان، مصر: دارالسعاد الصباح، چاپ دوم.
۱۸. نجم رازی (۱۳۷۹). *مرصادالعباد*، مصحح محمدامین ریاحی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ هشتم.
۱۹. نسفی، عزیزالدین (۱۳۸۶). *انسان کامل*، تصحیح ماریان موله، زیر نظر هانری کربن، تهران: طهوری.
۲۰. ولیئی محمدآبادی، قربان؛ هاشمی کوچکسرایبی، حوریه (۱۳۹۳). «چیستی و چرایی در نفی خواطر در عرفان اسلامی»، *تصوف و عرفان اسلامی*، سال هشتم، شماره شانزدهم، ۱۴۳-۱۶۳.
۲۱. هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۶). *کشف المحجوب*، تصحیح محمود عابدی، تهران: سروش، چاپ سوم.